



حوزه علمیه قم و سیر تطورات نشریات (مطبوعات) دینیه در سده اخیر (۱)

سید محمد حسین حسینه هرندی^۱

چکیده

تردید نیست که اصلی ترین وظیفه حوزه و روحانیت، شناخت اسلام و ارزش های دینی و احکام الهی و ابلاغ و نشر و گسترش آنها است. در گذشته فقاقت و اجتهاد و بیان احکام و ارزش های دینی از طریق منبر و سخنرانی و تألیف کتاب صورت می گرفته است. ولی باید در کنار همه این ارزش ها، مسئله ابلاغ و تبلیغ و ارشاد و هدایت گری را در بعد گسترده تر و شیوه های دقیق تری جست و جو کرد. یکی از این روش ها، استفاده از مطبوعات دینی است. این نوشته تلاش دارد با مروری کوتاه بر تاریخچه مطبوعات دینی به بررسی مطبوعات حوزوی و سیر تحولات آن ها از آغاز سده ۱۳۰۰ (در آستانه ورود آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی) تا سال ۱۴۰۰ شمسی پردازد. این نوشته تلاش دارد با تقسیم بندی ادوار نقش آفرینی حوزه علمیه در حوضه رسانه های مکتوب یعنی نشریات، به تبیین وضعیت حاکم بر حوزه علمیه از منظر بروز و ظهور در جامعه مطبوعات دینی در آن مقطع زمانی پردازد. بررسی نتایج تحقیق و آمار معاونت پژوهش حوزه علمیه قم حکایت از تحول و جهش دامنه گسترده نشریات دینی خصوصا پس از انقلاب اسلامی دارد.

کلید واژه ها ؛ حوزه ، رسانه، نشریات (مطبوعات دینی) ، سده حوز

۱. پژوهشگر اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه.

Smhh.harandi@gmail.com

مقدمه

حوزه علمیه قم، بزرگ‌ترین و پررونق‌ترین مرکز تربیت و پرورش طلاب علوم دینی شیعه در جهان اسلام در عصر حاضر است. قدمت این حوزه به نخستین دهه‌های سده دوم هجری قمری و هجرت اشعریان از کوفه به قم و رونق تشیع و تکوین حوزه علمیه شیعی در این شهر برمی‌گردد.

این حوزه مقدس با قدمتی به طول هزار و دویست و اندی سال، دارای پیشینه ای طولانی تر از پیشینه حوزه شریف نجف است. محدثان و صحابی امامان معصوم (علیهم السلام) که غالباً از خاندان اشعری هم بودند با تشکیل جلسات علمی و دینی، حوزه علمیه قم را برپا نمودند. (زهره کاشانی؛ ۱۳۸۸، دوره ۴، شماره ۸؛ ص ۴۵)

در اواخر عصر قاجار، با پافشاری شیخ محمدتقی بافقی و پا در میانی میرزا محمد ارباب و شیخ محمدرضا شریعتمدار ساوجی، از حاج شیخ عبدالکریم حائری دعوت شد که از اراک به قم بیاید و حوزه علمیه سامان‌مندی در این شهر تأسیس کند. بدین‌گونه حائری در (۱۳۰۱ش) در قم مستقر شد و بنای تأسیس حوزه علمیه جدید قم را نهاد، آیت‌الله حائری در مدت اقامت حدود پانزده ساله خود در قم که در اوج باروری علمی نیز بود، با مدیریت قوی خود حوزه علمی نیرومندی را به وجود آورد. (برگرفته از مقاله «حوزه علمیه قم در دوره معاصر»، دانشنامه جهان اسلام، شماره ۶۶۳۵)

حوزه علمیه قم از زمان تأسیس تاکنون، در همه سطوح علمی از سطح مرجعیت تا سطح طلاب جوان مشغول به سطوح متوسط و عالی، به امر نشر کتاب و مجله توجه ویژه نشان داده است. نشریات به معنای مصطلح آن، یکی از خروجی‌های علمی مجموعه ای است که با عنوان "حوزه علمیه" شناخته می‌شود و بیانگر توجه این مجمع علمی به روزآمد و کارآمد کردن راه‌های ایفای وظیفه سنگین تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی است. بدون تردید "بیان"، مهمترین وسیله در راهنمایی جویندگان حقیقت است و به میدان آمدن "قلم" که ماندگاری آن بیشتر و گستره جغرافیائی آن وسیعتر است، به یاری بیان از ابزارهای موثر در عرصه تبیین مبانی دینی است. حوزه علمیه قم نیز از اوائل سده از امکان بوجود آمده "مطبوعه دینی" به مثابه یک رسانه تاثیرگذار در امر "اطلاع‌رسانی" بهره برده است. نوشتار حاضر نگاهی است کوتاه و گذرا به سیر تطورات حوزه در مواجهه با مطبوعات دینی که ذیل عناوینی کوتاه به توصیف نقش حوزه در پیدایش و پویایی و گستره کمی و کیفی رسانه مکتوب پرداخته است.

ب) چیستی مطبوعه دینی

از منظر این نوشتار، هر نشریه‌ای که هدفش اشاعه و ترویج دین، تقویت مبانی دینی و رشد و تعالی انسانها، در هر جای عالم باشد مطبوعه دینی است. پیداست که منظور از دین، آن هم در قلمرو حکومت اسلامی ایران، دین متعالی و مترقی اسلام ناب محمدی (ص) است، و هر نشریه‌ای که به هر یک از موضوعات دین پرداخته و درجهت گسترش آن فعالیت نماید مطبوعه دینی است.

ج) نشریات دینی حوزه

حوزه علمیه قم از زمان تأسیس تاکنون، بنابر جایگاه تبلیغی و ترویجی که نسبت به آموزه های دینی و شعائر مذهبی در اختیار دارد، در همه سطوح علمی خود، تلاش نموده از امر اطلاع رسانی و نشر معارف دینی و آموزه های مذهبی غافل نماند. این رویکرد از طریق قدیمی ترین رسانه دینی (منبر) تا -در این نگارش- جدیدترین رسانه -مطبوعه- را در بر گرفته است.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به فضای سیاسی حاکم و نیز میزان گسترش امکانات و گستره کلی نشریات و مطبوعات، تعداد مجلاتی که در حوزه و در حوضه دین منتشر می شد بسیار اندک بود، گرچه رویکرد اصلی آن نشریات را می توان بر مبنای حرکت " آهسته و پیوسته " دانست. روندی که به صورت تدریجی و غیر آشکار به افزایش دانائی های دینی و اجتماعی جامعه و ترویج و تثبیت دین در سطح گستره جغرافیای ایران منجر می شد و نمیتوان و نباید نقش آن را در شکل گیری جامعه دینی و زمینه سازی و پیروزی انقلاب اسلامی نادیده گرفت

با این حال ، روحانیون و طلاب جوان که با انتشار مجلات تخصصی «مکتب اسلام» و «مکتب تشیع» فضای تازه‌ای در عرصه مقاله نویسی تجربه کرده بودند در گام بعد با انتشار دو نشریه «بعثت» و «انتقام» وارد مرحله دیگری از فعالیت‌های رسانه‌ای و ژورنالیستی شدند که سویه های انتقادی و سیاسی تند و تیزی داشت. گرچه گذر زمان نشان داد که حرکت " آهسته " ، " پیوسته " است و ناثیر گذار تر. تداوم انتشار قدیمی ترین نشریه در حال انتشار حوزه با بیش از شش دهه نشر مستمر ، موید این معناست.

از نظر تطور تاریخی ، دوره‌های مختلفی برای مطبوعات دینی حوزه، می توان در نظر گرفت. در این مقاله سه دوره مهم تشخیص داده شده است: دوره اول، از پیدایش روزنامه نگاری تا شکل گیری دولت پهلوی (۴+۵۱۳.ش). دوره دوم، از حاکمیت پهلوی تا شکل گیری انقلاب اسلامی (۵۱۳۵۷.ش). دوره سوم، مربوط به حاکمیت جمهوری اسلامی است. این سه دوره تمایزها و تفاوت‌های بسیاری از نظر فرهنگی دارند. در دوره اول آشنایی مردم ایران با نوع جدیدی از نظام اجتماعی و سیاسی و تلاش برای پیاده سازی این نظام بود. در دوره دوم نوعی حاکمیت با استراتژی نوسازی اقتصادی - اجتماعی و نوعی استبداد سیاسی استقرار یافت. تحولات مربوط به توسعه و مدرنیته پیامدهای

خاصی در فرهنگ ایران داشت. در دوره سوم حاکمیت سیاسی دینی با نفی هرگونه اعتقاد به فرهنگ غرب و طرد نوسازی پهلوی روی کار آمد و فرهنگ ایران ویژگی‌های دیگری یافت.

در دوره سوم روزنامه‌نگاری روحانیت رونق فوق العاده یافت. نشریات متعددی در زمینه‌های مختلف عمومی و تخصصی توسط روحانیان منتشر شده است. حتی چندین روزنامه مشهور توسط روحانیت بنیان گذاری و مدیریت می‌شده است و گاه روحانیانی پیامدهای تلخ این حرفه - مانند زندان - را چشیده‌اند. این ادوار سه گانه در مسیر تبیین و توضیح، به شش دوره متمایز تبدیل گردید که به صورت طبیعی در دو فصل جداگانه (قبل و بعد از انقلاب) ارائه شده است. این نوشته تلاش دارد با تقسیم بندی ادوار نقش آفرینی حوزه علمیه در حوضه رسانه های مکتوب، به تبیین وضعیت حاکم بر حوزه علمیه از منظر بروز و ظهور در جامعه مطبوعات دینی در مقطع زمانی مورد بحث، بپردازد. این ادوار شش گانه ذیل عناوینی تعریف شده که مبین اوضاع آن دوره است و تلاش شده نمود بیرونی آن عنوان در هر مقطع تبیین شود.

از شش دوره ترسیمی، سه دوره آن در مقطع زمانی قبل از انقلاب، قرار گرفته است. نگاهی کوتاه به این ادوار، هم نقش آفرینی روحانیت متعهد به اسلام و مکتب را نمایش می‌دهد، هم وضعیت حاکم بر جامعه دینی در زمانه حکومتی غیر دینی.

بخش دوم: ادوار و سیر تطور نشریات دینی قبل از انقلاب اسلامی

آنچه در بخش دوم ارائه می‌گردد نگاهی توصیفی به نشریات حوزوی در نیمه اول سده است، که مقطع زمانی قبل از انقلاب را در برمیگیرد. دوره بعد از انقلاب در قسمت دوم این نوشتار ارائه می‌شود.

دوره اول؛ از ولادت تا حمایت:

دوره اول مطبوعات دینی و نقش حوزه علمیه و بزرگان آن را می‌توان دوره شکل‌گیری یا "ولادت" نشریات دینی دانست.

در این عصر علمای بزرگی در حوزه علمیه قم به تحصیل و تدریس اشتغال داشتند، به ویژه با سکونت مجتهد عالی مقام مرحوم میرزای قمی "ره" در قم (زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار)، حوزه علمیه قم، شهرت و اهمیت بیشتری پیدا کرد.

بی‌شک نمیتوان انکار کرد که نشریات دینی حوزه، از پرسابقه‌ترین مطبوعات فارسی زبان (با توجه به جغرافیای انتشار و ناشران حوزوی آن) هستند. گرچه نشریاتی چون "عروه الوثقی" به کوشش و نگارش سید جمال الدین اسدآبادی و

محمدعبد در حدود سالهای ۱۳۰۰ قمری درپاریس منتشر شد اما مطبوعه ای بود دربیرون از ایران و به زبان عربی که مانع از نفوذ در میان عامه مردم و بهره برداری آنان می شد.

اولین روزنامه دینی فارسی زبان و در محدوده جغرافیائی ایران ، نشریه "شجره خبیثه کفر و شجره طیبه ایمان" نام دارد که در سال اول مشروطیت با سرمایه مالی و حمایت دینی محمد اسماعیل تبریزی و جواد بن محمد صادق الطهرانی منتشر شده است. (سید فرید قاسمی؛ ۱۳۸۵، روزنامه "اعتماد ملی" ۷ / آذر / ۱۳۸۵)

انتشار این نشریه نشان می دهد که دین باوران و مروجین دین ، در همه مراحل تاریخی از هر فرصتی برای به خدمت گرفتن رسانه ها استفاده نموده و در واقع حوزویان را با مسئولیت جدید و سنگین خود – و این بار بهره گیری از رسانه مکتوب در عرصه ترویج دین – آشنا ساختند.

درمقطع نخست این دوره، مطبوعات دینی بسیار نادری بوجود آمده که از جمله می توان به دو عنوان ؛ نشریه دینی "الاسلام" توسط سید محمدعلی اصفهانی (داعی الاسلام) و مجله ماهانه دینی "دعوة الاسلام" از سید محمدتقی واحدی اشاره کرد.

در ادامه این دوره که مصادف با آغاز قرن چهاردهم هجری شمسی بود، تجدید حیات حوزه مطرح می شود.

از برکات متعدد و اثرگذار حضور " حاجی شیخ" در قم و رونق حوزه ، شکل گیری اولیه و غیر مستقیم استفاده از امکانات جدید در عرصه اطلاع رسانی و تبلیغ و ترویج آموزه های مذهبی بود و یکی از جلوه های " حمایت" از نشریات دینی نیز در این مقطع بروز کرد؛ آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (متوفی ۱۳۲۵ ش) در نامه ای به شیخ محسن فقیه شیرازی مدیر مجله ماهیانه الاسلام ، علاوه بر تشویق مدیر مجله به ادامه کار، در حمایت از وی اجازه « بذل مال و صرف وجوه، حتی از زکات و اوقاف و...» را صادر کرد. (صدرهاشمی، ۱۳۲۷، ج ۱، ص ۲۴۲) در واقع اینکه مرجع تقلیدی ، استفاده از وجوهات زکات و سهم امام را به مجله ای اجازه دهد، در مطبوعات فارسی بی سابقه بوده است.

گرچه با نشر نشریات در نیمه دوم این دوره، مطبوعات دینی فراوانی منتشر شد ولی پس از سال ۱۳۰۹، مطبوعات دینی افول پیدا کرده تا آنجا که در دوران رضاخانی تا ۱۳۲۰، مطبوعه دینی – به معنای مصطلح آن – به ندرت منتشر می شده است. نمونه هائی چون؛ روزنامه دینی الحق، مجله ماهانه دینی بلاغ ، مجله ماهانه دینی تذکرات دیانتی ، هفته نامه دینی نهضت اسلام و مجله دینی، اجتماعی همایون از این دست است .

اول (استوار

استوار، نشریه هفتگی خبری – تحلیلی با موضوعات متنوع منتشره در قم. صاحب امتیاز و مدیرمسئول آن ابوالفضل طهماسبی بود که امتیاز آن را در ۲ خرداد ۱۳۱۳ ش از «شورای عالی فرهنگ» گرفت اما نخستین شماره آن در ۲۴ تیر

۱۳۱۴ش در قم انتشار یافت. استوار، نخست هفتگی و بعد هفته ای دو شماره و در چهار صفحه، در قطع خستی بزرگ و هر صفحه در سه ستون و سپس هفته ای سه شماره انتشار می یافت.

این جریده در روز پنجشنبه ۱۶ مرداد ماه سال ۱۳۵۴ش، خبر درگذشت ابوالفضل طهماسبی در سن هشتاد و چهار سالگی را به اطلاع عموم رساند. چند روز بعد از دفن وی در آرامگاه شیخان قم، آخرین شماره استوار در ۲ شهریور ۱۳۵۴ش منتشر شد و با انتشار ۲۴۵۵ شماره در طول حیات چهل و یک ساله، برای همیشه به کار خود پایان داد.

انتشار نشریه استوار در شهر قم با مشکلات و تنگناهای زیادی روبرو بود. از یک سو مصادف با اوج اقدامات تجددخواهانه و ضددینی رضاشاه بود؛ چنان که واقعه کشتار بست‌نشینان مسجد گوهرشاد سه روز پیش از انتشار این روزنامه و نیز واقعه کشف حجاب زنان کمتر از شش ماه بعد از آن تاریخ روی داد و لذا مدیرمسئول، ناگزیر به درج اخبار و گزارش‌هایی در آن باره و بعضاً در تأیید و تحسین آن‌ها گردید. به عنوان نمونه: «اعلامیه دولت درباره واقعه مسجد گوهرشاد» در شماره اول «قضایای مشهد» در شماره دوم «آغاز سال ۱۳۱۵ش چه خواهیم کرد؟» راجع به کشف حجاب بانوان. از سوی دیگر به سبب محیط مذهبی قم و پایگاه حوزه علمیه و روحانیت و ضمناً تعلقات دینی مدیرمسئول، اشعاری در مدح و منقبت و یا مراثی ائمه معصومین (ع) (استوار، ش ۱۲، مورخ ۲۰ مهر ۱۳۱۴ش، ص ۱) و نیز مقالات ادبی، دینی، و اخلاقی (همان، ص ۲) و اخبار سوخته و انتشار یافته رسمی را نیز درج می کرد و تصویر بارگاه حضرت معصومه (س) را به طور ثابت در بالای صفحه اول، سمت چپ همه شماره های سال‌های نخست قرار داد (استوار، ش ۱۲، مورخ ۲۰ مهر ۱۳۱۴ش، ص ۱).

برخی مندرجات روزنامه، اخبار و گزارش‌ها و مقالات مذهبی بود؛ همچون: «گشایش مسجد بزرگ در ژاپون»، «حقیقت روحانیت چیست؟»، «ایران و کشور سعودی: تعمیر بقاع ائمه بقیع»، و «کوچکترین حکومت اسلامی».

استوار در وقایع مربوط به سخنرانی آیت الله خمینی در روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ش و متعاقب آن واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ش هیچگونه خبر، گزارش و یا مقاله‌ای در آن باره درج نکرد، فقط در سه شماره بعد، در صفحه اول تحت عنوان «خلاصه اخبار ایران»، خبر حکومت نظامی در تهران را در چند کلمه بدین شرح درج نمود: «به موجب اعلامیه فرمانداری نظامی، ساعت منع عبور و مرور در طهران از ساعت یک بعد از نیمه شب تا چهار صبح تعیین گردیده است» (استوار، ش ۱۷۷۳، مورخ ۱۶ خرداد ۱۳۴۲، ص ۱؛ ش ۱۷۷۴، مورخ ۲۳ خرداد ۱۳۴۲، ص ۱؛ ش ۱۷۷۵، مورخ ۳۰ خرداد ۱۳۴۲، ص ۱).

چون مشی این روزنامه هم در تأیید و لزوم تجدد و هم در جهت تحکیم مبانی اخلاقی، دینی جامعه - به ویژه پس از عزل رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰- بود، لذا نویسندگانی از گروه اسلام‌خواهان مانند؛ علی‌اصغر فقیهی، محمدتقی اشراقی، علاءالدین طالقانی و علی دوانی داشت.

دوم (همایون)

علی‌اکبر حکمی‌زاده به‌عنوان طلبه‌ای تجددگرا و حامی اندیشه‌های کسروی به فعالیت می‌پرداخت. وی در اولین اقدام مجله «همایون» را از مهرماه ۱۳۱۳ منتشر ساخت که تا دوازده شماره ادامه یافت. مجله همایون بنا به نظر تعدادی از علمای حوزه قم به‌منظور اشاعه افکار دینی تأسیس گردید حکمی‌زاده به‌مراه سید حسین بدلا و محمد همایون پور در مجله همایون اندیشه‌هایی نوآورانه و سنت شکن درباره تشیع می‌نوشتند و از آن جهت که حکمی‌زاده فرزند آیت‌الله حاج شیخ مهدی قمی، از علمای سرشناس و اهل کرامات بود، به‌عنوان صاحب‌امتیاز مجله شناخته شد و بیش از سی مقاله در آن نوشت.

از بررسی مقالات مندرج در مجله همایون بر می‌آید که از ابتدا دو دسته مقالات که حاکی از وجود دو خط فکری متمایز است، در آن چاپ می‌شد: دسته اول مقالات تعدادی از روحانیون اصیل و پیرو مؤسس حوزه علمیه قم بود که محتوای آنها شامل تداوم خط اسلام و تشیع متعارف و مخالفت پنهان و آشکار با سیاست‌های فرهنگی رایج در دوره رضاشاه می‌شد؛ به‌عنوان نمونه مقاله «مجاهده و تبلیغ» که حاجی میرزا علی اصفهانی در آن به بیان اهمیت شعایر حسینی(ع) و اثرات مثبت آن در جامعه پرداخت در این دسته قرار می‌گیرد.

دسته دوم مقالاتی بود که توسط حکمی‌زاده و سیدعلی‌اکبر برقی و برخی دیگر نگارش می‌یافت که هماهنگ با سیاست فرهنگی رژیم رضاشاه و هم‌آوا با القائنات کسروی و مجله «پیمان» او بود؛ به‌طور نمونه در شماره اول مجله (مهرماه ۱۳۱۳) حکمی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «زبان خنثی»، زمزمه بیرون ریختن الفاظ خارجی از زبان فارسی - که هدف اصلی آن عربی‌زدایی بود - را همگام با سیاست رژیم پهلوی مطرح کرد. او در مقاله «بت‌پرستی» تلویحا احترام به مراقد ائمه اطهار و امامزادگان(ع) و توسل به آنان را مورد مذمت قرار داد. بدین ترتیب طلبه جوان همراه شماری از طلاب، از جمله سیدعلی‌اکبر برقی، در «همایون» مقالاتی می‌نوشت که به تدریج به‌نوعی مقابله با شعائر رسمی شیعه منجر شد. پس از آنکه حکمی‌زاده با استفاده از حق صاحب‌امتیازی، افکار انحرافی خود و کسروی را در مجله همایون رسوخ داد، میان او و سایر روحانیون اختلاف افتاد که به درگیری حاد کشید و مجله پس از یک سال، متوقف و تعطیل گردید. این درگیری باعث خلع لباس از او نیز شد.

علی‌اکبر برقی، ابوالحسن طالقانی، محمدتقی اشراقی در آن مقاله می‌نوشتند و دفتر آنها در مدرسه رضویه بود. حکمی‌زاده نسبت به مراسم عاشورا و نیز اهل منبر، مقالاتی می‌نوشت. افزون بر این، در زمینه‌های اجتماعی مانند بهداشت عمومی در این نشریه می‌نگاشت.

او [در فهمی اشتباه و درکی نادرست] باور داشت از خدا تنها نامی در جامعه اسلامی مانده است و اختیاراتش میان امامان و امام زادگان تقسیم شده است. حکمی زاده و دوستانش غرب را منشأ رواج کارهای غیراخلاقی دانسته و مثل کسروی شریک گرا بودند .

دوره دوم ؛ از رویش تا گسترش :

دراویل دهه بیست شمسی، شماری از بزرگان و استادان حوزه علمیه قم که از عدم مدیریت متمرکز در این حوزه نگران بودند و از سویی از مقام علمی و نفوذ اجتماعی و دینی آیت الله حاج آقا حسین بروجردی، آگاهی داشتند، از ایشان خواستند که از بروجرد به قم بیایند. حاج آقا روح الله کمالوند از علمای خرم آباد در این زمینه کوشش بیشتری مبذول داشت. آیت الله بروجردی با پذیرش این درخواست، در محرم ۱۳۶۴ق / آذر ۱۳۲۳ش در قم ساکن شد (بدلا، ۱۳۷۹، ص ۹۳-۹۴؛ شریف رازی؛ ۱۳۳۲-۱۳۳۳ش، ج ۲، ص ۲). در تحکیم جایگاه و مرجعیت ایشان در هنگام اقامت در قم نیز نقش علمای ثلاث و سایر بزرگان حوزه، چشمگیر بود. با ورود آیت الله بروجردی به حوزه علمیه قم، بر رونق آن افزوده شد و شور و نشاط علمی آن دوچندان و بنیه علمی آن تقویت گردید.

در این دوره که با اشغال ایران توسط متفقین آغاز می شود، نظام استبدادی ضعیف تر شده و فشار اجتماعی کمتر و قلمها آزاد می شود و مطبوعات در همه عرصه ها از جمله با محتوای دینی شکل می گیرند و تعدادی از مطبوعات دینی پا به عرصه می نهند.

درواقع با توجه به فضای آزاد ناشی از پایان دوره رضاشاهی و خاتمه جنگ جهانی، زمینه برای " رویش " نشریات و از جمله مطبوعات دینی در سراسر کشور فراهم می شود. برخی عناوین نشریات در این دوره عبارت است از؛ هفته نامه دینی ندای دین (آیت الله سید ضیاءالدین علامه فانی)، هفته نامه دینی ندای حق (سید حسن عدنانی)، آیین اسلام (نصرت الله نوریانی)، هفته نامه دینی پرچم اسلام (دکتر سید عبدالکریم فقیهی شیرازی)، مجله ماهانه دینی مجموعه حکمت (سید فخرالدین برقی) و مجله ماهانه دینی و اخلاقی مسلمین (مهدی حاج سراج انصاری).

در نیمه دوم این دوره که با کودتای ۲۸ مرداد همزمان می شود، آیت الله بروجردی در زمینه توسعه فضای آموزشی حوزه از قبیل ساخت و احیای مدارس و به طور خاص تأسیس مسجد اعظم و کتابخانه آن اقدامات درخور توجهی کرد (شریف رازی، ۱۳۵۲-۱۳۵۴ ش، ج ۱، ص ۳۵۲-۳۵۳). به این ترتیب، مهاجرت مؤثر و تحول آفرین آیت الله بروجردی، حوزه قم را به مرتبه ای از اعتبار رساند که عملاً هم طراز معتبرترین حوزه آن عهد، یعنی حوزه نجف، شد و نه فقط طالبان علم از شهرهای مختلف ایران راهی قم می شدند، بلکه به تدریج افرادی از مناطق شیعه نشین دنیا، قم را برای تحصیل برمی گزیدند. در اواخر این دوره، پس از رحلت آیت الله بروجردی، مسئولیت حوزه بر عهده جمعی از مراجع و بویژه حضرات آیات عظام خمینی، گلپایگانی، شریعتمداری و مرعشی نجفی قرار گرفت. اندکی

پس از آن، شعله " نهضت امام خمینی " شعله ور شده و علاوه بر آثار سیاسی و اجتماعی، در عرصه رویش و گسترش و نیز محتوای مطبوعات دینی اثر گذاشت.

بدین ترتیب حوزه علمیه در طی این دوره در زمینه تولید و نشر مجلات تحقیقاتی و عمومی نیز فعالیت گسترده ای را سامان می بخشد و دوره "گسترش" چاپ و نشر مطبوعات دینی آغاز می شود. از سوی دیگر با عنایت به تحکیم مواضع در ساختار سیاسی نظام حاکم، هرچه زمان می گذشت، محدودیت دینی بیشتر می شد. با این حال انتشار نشریات دینی متوقف نشد، بلکه برخی از مطبوعات دینی که در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ منتشر می شده در این بخش نیز به حیات مطبوعاتی خود ادامه می داد و علاوه بر نشریات دوره اول، مهمترین و دیرپاترین نشریه حوزه علمیه قم، در اواخر این دوره پا به عرصه نهاد؛ نشریه "مکتب اسلام". به عنوان اولین مجله معتبر حوزه علمیه قم که توسط روحانیان تأسیس و اداره می شد در زمان حیات آیت الله بروجردی در ۱۳۳۷ش ایجاد شد و اولین شماره آن در بهمن ماه آن سال نشر یافت و نشر آن با افت و خیزهایی، تاکنون همچنان ادامه یافته است. معروف ترین اشخاصی که در تأسیس و ادامه کار این مجله نقش داشته اند حضرات آیات ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی بوده اند (جعفریان، ۱۳۸۶ش، ص ۳۴۱)، مجله معتبر دیگری که به صورت سالنامه و فصلنامه در حوزه علمیه قم مجال ظهور پیدا کرد مجله "مکتب تشیع" بود که توسط اکبر هاشمی رفسنجانی، محمدجواد باهنر و همکارانشان تأسیس و نخستین شماره آن در اردیبهشت ۱۳۳۸ در ده هزار نسخه منتشر شد. در این نشریه شمار درخور توجهی از علمای نامدار و فضلالی جوان حوزه مقاله می نوشتند و به مباحث روز، خاصه مباحث اجتماعی از منظر اسلامی، توجه ویژه نشان می دادند (جعفریان، ۱۳۸۶ش، ص ۳۴۵).

برخی نشریات در این دوره عبارتند از:

اول (آئین اسلام

نخستین شماره مجله آئین اسلام در ۱ فروردین ۱۳۲۳ منتشر شد. صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر آن نصرت الله نوریانی بود. در صفحه اول در بالای صفحه آرم آئین اسلام، آیه شریفه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، ۱۹)، درج شده بود. هدف اولیه این نشریه، دفاع از اسلام در مقابل جریانات انحرافی غیردینی در جامعه، به خصوص جریان کسروی گری و مبارزه با اندیشه های انحرافی وی بود.

آئین اسلام از مهمترین نشریات مذهبی-سیاسی و تاثیرگذاری آن تا حدی بود که حتی مراجع تقلید از وجوهای شرعی برای کمک به آن می دادند. افرادی چون حاج مهدی سراج انصاری از نویسندگان دائمی آئین اسلام بود و در دوران فعالیتش آثار و نوشته های بسیاری از نویسندگان مذهبی را در برمی گرفت: حجت الاسلام راشد، اسمعیل مرتضوی برازجانی، آیت الله محمدباقر پژوهش، حجت الاسلام خلیل کمره ای، سیدضیاءالدین تقوی شیرازی، حجت الاسلام خالصی زاده، آیت الله طالقانی، آیت الله زاده تهرانی، حسینعلی گلشن، محمدی اردهالی، سیدمحمدعلی داعی الاسلام،

رحیم کرباسیان، امیر توکل کامبوزیا، سیداحمد برقی، فخرالدین حجازی و عطاءالله شهاب پور و همچنین هر هفته، تفسیر قرآن ایت الله طالقانی در جمع انجمن اسلامی دانشجویان در آن درج می شد

در طول سالهای متمادی فعالیتش، تلاش قابل توجهی در جهت ترویج اندیشه‌های دینی و دفاع از دین در برابر اتهامات دیگران داشت. از گرایش‌های آن دفاع از اسلام و روحانیت، توجه به واقعیت زمان، ترویج روحیه تحول خواهی در حوزه‌های علمیه و مراکز تبلیغات دینی بود. در مجموع، این اسلام مجله ای علمی، دینی، و یکی از وزین ترین مجلات مذهبی بود که به مسائل سیاسی نیز گریزی داشت و مورد استقبال جامعه مذهبی ایران قرار گرفته بود

آن چنان که از محتوای مطالب در اکثر شماره‌های منتشر شده این روزنامه برمی آید، بیشترین مطالب در خصوص دین و مذهب به عنوان مهم ترین مسائلی می باشد که اجتماع ایرانی با آن سروکار داشته است. نصرت الله نوریانی در شماره اول آیین اسلام ضمن ذکر هدف خود از انتشار این مجله و سخن از دشواری‌های آن، هدف از انتشار را این گونه توصیف کرده است:

«روش ما اظهار عظمت اسلام و مرام ما ترویج این آیین مبین است. تنها آرزویی که داریم این است که بتوانیم به عالم اسلامی خدمتی کنیم و اخلاق و اطوار و آداب اسلام را گوشزد عالمیان و مخصوصا عامیان نماییم... آن روز را به خود نوید می دهیم که مشاهده کنیم ایرانی یکبار دیگر در تحت لوای مقدس اسلام و تعالیم آن پا به دایره ترقی و تعالی نهاده وحدت ملی خود را که از چندین قرن به این طرف متکی بر دین بوده است باز به دست آورده. بدین جهت مرام خود را احیای معالم دین نهاده ایم...» (آیین اسلام، س ۱، ش ۱، ۱ فروردین ۱۳۲۳، ص ۱).

محور کلی نشریه بر پایه دین و موعظه «اظهار عظمت اسلام»، «احیای معالم دین» و تعالی «ایرانی در تحت لوای مقدس اسلام» قرار داشت. هر چند جنبه دینی این نشریه قویتر از سایر بخشها بود،

دوم (وظیفه

وظیفه روزنامه سیاسی اجتماعی بود که سه شماره در هفته منتشر می ساخت. ناشر افکار دفتر نشریات دینی منشور نور و عضو جبهه استقلال و طرفدار حزب اراده ملی بود. و عضو جبهه مطبوعات متفق ایران به شمار می رفت. مدیر این روزنامه، سید محمدباقر موسوی حجازی از وکلای پایه یک دادگستری تهران بود و زیر نظر خالصی زاده منتشر می شد. این نشریه در دو دوره طی سالهای ۱۳۲۳/۴۱ ش در تهران انتشار یافت. در ۱۳۲۷ ش، در پی دعوت محمدباقر حجازی، مدیر روزنامه وظیفه، جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری متشکل از گروهی از روزنامه‌های چپ و راستگرا تشکیل شد. هر چند عملکرد این جبهه در جلوگیری از توقیف مطبوعات مؤثر بود، عمر چندانی نکرد و در نهایت بر اثر «زد و بندهای محافل ارتجاعی» متلاشی شد (گذشته چراغ راه آینده است، ص ۴۹۳)

محمدباقر حجازی در جریان افشاء کودتای ۲۸ مرداد به همراه تعداد دیگری از روزنامه نگاران دستگیر شد.

وی پس از آزادی به انتشار روزنامه وظیفه ادامه داد و با انتقادات ملایم خود از برخی سیاست های رژیم شیوه مماشات و همکاری با رژیم پهلوی را در پیش گرفت. بر این اساس در مقابله با مبارزین و مخالفین رژیم شاه سفارشی به پرهیز از برخورد مستقیم و انجام گفتگو و روش های آشتی جویانه می نمودند.

گفته می شد سید محمدباقر موسوی حجازی از روزنامه نگاران دهه ۲۰ و ۳۰ و از یاران و نزدیکان سیدضیاء طباطبائی بشمار میرفته است. برای شناخت این نشریه و سمت و سوی آن میتوان از اسناد کمک گرفت.

مرکز بررسی اسناد تاریخی سندی با تاریخ: ۴ خرداد ۱۳۳۹ منتشر کرده ، که مطالعه آن خالی از لطف نیست.

گزارش: موضوع: ملاقات آقای فومنی با سیدباقر حجازی

متن سند:

محرمانه مستقیم بعرض عالی میرساند درباره مذاکرات شیخ جواد فومنی و شیخ جعفر جوادی شجونی در منزل آقای سید باقر حجازی مدیر روزنامه وظیفه روز دوشنبه مورخ ۲ / ۳ / ۳۹ ساعت ۵ بعدازظهر بموجب قرار قبلی آقای شیخ جواد فومنی و آقای شیخ جعفر جوادی شجونی بدیدار آقای سید محمد باقر حجازی مدیر روزنامه وظیفه در منزل شهری ایشان واقع در خیابان برق کوچه دولت آبادی رفتند و من راهنمایی کردم.

آنجا زیاد آقایان صحبت در اطراف فساد و مردم و بی رونقی بازار دین و عدم توجه مقامات دولتی بشئون دینی داشته و چاره جوئی میخواستند و مبارزه و فداکاری لازم میدانستند آقای حجازی با آنها مفصل صحبت کرد و گفت امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) که پایه گذار مذهب و دانش و فقه شیعه بودند چگونه عمل کردند آنها که امام بودند به خلیفه عباسی یا امیرالمومنین میگفتند هیچ گاه بالای منبر به خلیفه و حکومت تعرض و حمله نکردند ولی مجلس درس و بحث و تربیت داشتند و هزاران عالم و مربی در مکتب آنها بوجود آمد که سلطنت های شیعه و همه نهضت های بعد در اثر کوشش این تربیت شده ها بود.

امروز بحمداله حکومت عنوان حکومت اسلامی و شیعه دارد و شما برای هر فعالیت تربیتی ازادی عمل دارید چه عیب دارد هر هفته یک نشریه دینی کوچک در اخلاق اسلام و تربیت اسلام منتشر کنید در طبقات مختلفه برای تعلیمات دینی حوزه ها تشکیل دهید و در کارهای خیریه عیادت مریض - دستگیری ازبینوا - جمع اوری یتیم پیش قدم شوید و پس از چند سال صدها سازمان متشکل و معتقد و پایدار بوجود خواهد آمد آقای فومنی گفت نمیگذارند آقای حجازی گفت شما فحش میدهید حمله میکنید کسی مزاحم شما نیست چگونه ممکن است بکارهای سودمند اقدام کنید و مزاحم

شما بشوند آقای شجونی گفت ما باید مثل خروس بانک برداریم تا مردم بیدار شوند آقای حجازی گفت ولی موقع بانک برآوردن طلوع صبح است اما هر خروس بی موقع بانک زد خودش مباح است و شما باید اول تشخیص بدهید که موقع بانک زدن چه وقت است شجونی گفت آخر این دستگاه دین ندارد.

آقای حجازی گفت هیچ دستگاه حکومتی دین نداشته بما چه که دین دارد یا ندارد ما از دستگاه همین اندازه میخواهیم که مزاحم دین داری ما نباشند و حالا مزاحم نیست کمک هم میکنند.

آقای فومنی گفت برای اینکه شما کناره گرفتید شما بروید و ایجاد اطمینان کنید دستگاه بشما تکیه خواهد کرد.

این دستگاه اگر دین دار نباشد عاشق اقلیت ها و دسته های دیگر هم نیست میبینید آنها متشکل هستند و نیروئی دارند بانها احترام میگذارد شما هم متشکل شوید و حسن نیت نشان بدهید و ایجاد اطمینان کنید بالطبع با شما کنار میآیند.

(کتاب آیت الله حاج شیخ جواد فومنی حائری به روایت اسناد ساواک صفحه ۲۲۵)

سوم (پرچم اسلام

پرچم اسلام هفته نامه دینی / طبی بود و خود را ناشر افکار کلیه اجتماعات دینی معرفی می کرد. مدیر آن دکتر سید عبدالکریم فقیهی شیرازی و زیر نظر هیئت تحریریه بود و طی سالهای ۳۰ / ۱۳۲۵ ش در تهران منتشر می شد. (برزین، ۱۳۷۰ ش الف، ص ۶۰) فقیهی شیرازی در ۱۳۲۷ همراه با چند تن دیگر از مدیران جراید مذهبی، «انجمن مطبوعات دینی» را تشکیل داد و سال بعد به عضویت هیئت مدیره جامعه تعلیمات اسلامی درآمد. از آغاز سال ۱۳۲۵ خورشیدی هفته نامه پرچم اسلام را منتشر کرد و از نزدیکان آیت الله کاشانی به شمار می رفت. شایع بود که مرحوم آیت الله کاشانی به دکتر فقیهی شیرازی تلفن کرده و گفته بودند به ناصر ما (ناصر فخرآرایی) کارت خبرنگاری بدهید. یعنی به توصیه آیت الله کاشانی او کارت خبرنگاری از روزنامه پرچم اسلام گرفته و با این کارت وارد محوطه دانشگاه شده و [در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷] به شاه تیراندازی کرده است. (روزنامه اعتماد شماره ۴۴۴۲ - یکشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۸) از این رو، فقیهی را بلافاصله دستگیر کردند اما بعداً از او رفع اتهام شد. (عاقلی، باقر (۱۳۸۰) ج ۲ ص ۱۱۲۹)

اولین شماره این هفته نامه همان طور که در صفحه اول آن آمده است جمعه ۱۷ ع ۲ ۱۳۶۵ (دوم فروردین ۱۳۲۵ ش) می باشد. بیشتر نویسندگان نشریه «پرچم اسلام»، روحانیان و نیروهای مذهبی بودند که دوران دیکتاتوری ضد دینی رضاشاه را درک کرده بودند. این افراد بهترین نویسندگان مذهبی آن دوره بودند که براساس تجارب دوره رضاشاه به دفاع از دین در برابر جریان های مخالف دین و ارزش های دینی، که میراث دوره رضاشاه بود، پرداختند. سرمقاله و مقالات اصلی این نشریه که نشان دهنده خط مشی فکری آن نشریه بود، به تبلیغ و دفاع از دین در برابر جریان های مخالف دین و مفاسد اجتماعی جامعه می پرداخت .

نشریه پرچم اسلام در دوران فعالیتش آثار و نوشته‌های بسیاری از نویسندگان مذهبی در ارتباط با مسائل مذهبی - اجتماعی را منتشر نمود. برخی از این نویسندگان عبارت بودند از: حاج سیدموسی مازندرانی، منوچهر علائی، عبدالمجید رشیدپور، یحیی فقیهی شیرازی، محمدرضا فاطمی واعظ، سیدمرتضی علم‌الهدی، سیدغلامرضا خسروی، صبا کازرونی، سلطان‌الواعظین شیرازی، سیدمحمدعلی تقوی، سیدمحمدعلی صفیر، میرزا خلیل کمره‌ای و ...

بیشتر سرمقاله‌ها به نقد مفاسد اجتماعی چون قمار، شرابخواری، بی‌حجابی، برهنگی، مدپرستی غربی اختصاص داشت؛ (پرچم اسلام؛ ش ۲، ۹ فروردین ۱۳۲۵، ص ۱) در صفحه دوم، مقالات علمی منتشر می‌شد. در قسمتی دیگر از این صفحه به صورت ثابت مهم‌ترین اخبار کشور و جهان درج می‌گردید. در صفحه سوم، رجال بزرگ اسلامی و علمای شیعه چون ابن بابویه و صاحب بن عباد، شیخ طوسی و... و همچنین جریان‌ها و فرق مذهبی معرفی می‌شدند. مقالات دینی و آموزش مسائل اعتقادی و احکام چون نماز جمعه، زکات، خمس، روزه، تقلید و حج و... از دیگر مطالب این صفحه از نشریه بود. صفحه چهارم همچنین سخنرانی‌های علمای مذهبی چون حجت‌الاسلام فلسفی و سایر علما در مساجد و رادیو را دربر می‌گرفت. (پرچم اسلام؛ ش ۱۸، ۳ مرداد ۱۳۲۵، ص ۳) آن‌چنان‌که از محتوای مطالب در اکثر شماره‌های منتشرشده هفته‌نامه «پرچم اسلام» برمی‌آید، بیشترین مطالب در خصوص دین و مذهب و ارزش‌های دینی به عنوان مهم‌ترین مسائلی است که اجتماع ایرانی با آن سروکار داشته است. نویسندگان نشریه به نقد مفاسد اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌پرداختند. آنها نقدهای بسیاری به محتوای مطالب روزنامه‌ها و مجلات مبتذل، برنامه‌های رادیو و تلویزیون و سینما، وضع نابهنجار در خیابان‌ها، کافه‌ها و کاباره‌ها وارد می‌کردند. (برگرفته از: سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)

دوره سوم؛ از جنبش تا آموزش:

این دوره که مقارن با اواخر عمر آیت الله بروجردی بود، را میتوان و باید سرآغاز ورود رسمی حوزه علمیه به حوضه رسانه دانست. درواقع یکی از مسائل مهمی که در این مقطع پیش روی اصلاح‌گرایان حوزوی قرار داشت ورود مطبوعات به حوزه‌ها و ضرورت انتشار نشریات حوزوی بود. از نظر آنها بی‌توجهی روحانیان به مطبوعات باعث می‌شد آنها از مسائل سیاسی - اجتماعی اطلاع پیدا نکنند و در نتیجه عکس‌العمل به موقع و درستی نسبت به مسائل نداشته باشند. با توجه به همین موضوع، این گروه بر ورود مطبوعات به حوزه علمیه اصرار داشتند و استفاده از ابزارهای جدید تبلیغی از جمله انتشار نشریه را در حوزه تبلیغ دین مهم می‌دانستند. برخی از حوزویان، بسنده کردن به نهادهای سنتی چون مسجد و منبر را کافی نمی‌دیدند. از نظر آنها رسانه‌های جدید به معنای گسترده‌تر شدن زمینه تبلیغ دین است و باید از آن بهره برد. درواقع این گروه علاوه بر شکل سنتی بسیج کردن نیروها در نهاد مذهبی، یعنی تبلیغ چهره‌به‌چهره، از انتشار نشریه‌ها و مجله‌ها در کنار کتب مذهبی - سیاسی و پخش اعلامیه‌ها بهره برد. بویژه آنکه با ارتحال آیت الله بروجردی و شکل‌گیری "جنبش" استفاده از ظرفیت تبلیغی رسانه‌های نوشتاری، شیوه جدیدی از بسیج کردن نیروها

را در خدمت این جریان سیاسی قرار داد که موجب می‌شد انتقال و انتشار ارزش‌ها و اندیشه‌های حوزویان انقلابی به نقاط دیگر فراهم شود. بنابراین انتشار این نشریات، نمودی عینی از تحولی عمده در حوزه بود که برای تبلیغ اهداف قبلی روحانیان به شیوه‌های جدید در حوزه‌های علمیه تأسیس شدند. این معنا در نوشتار حوزویان مورد تأکید قرار گرفت. چنان که در در نخستین شماره نشریه «مکتب تشیع» چنین آمده بود: «پیشرفت در دنیا به وسایل تبلیغی مجهز، به شهامت مخصوص و از همه بالاتر عقیده‌ای محکم به هدف احتیاج دارد. سنگرهای تبلیغی مسلمین، فرستنده‌های کشورهای اسلامی و مطبوعات است که به صورت رایگان در اختیار ما قرار دارد ولی کمتر مورد بهره‌برداری معنوی و اخلاقی قرار می‌گیرد». (پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشکده تاریخ معاصر؛ ۳ آبان ۱۴۰۰، کد مطلب؛ ۲۱۳۴۰) در واقع طلاب جوان قم، که طی دهه ۱۳۳۰ به تدریج با مسائل فرهنگی جدید آشنا شده و در تحولات مذهبی - سیاسی سال‌های ۱۳۳۶ به بعد رشد کرده بودند، با شروع نهضت امام خمینی وارد حوزه نگارش اطلاعیه‌ها و بیانیه‌ها شدند و به تدریج راه و رسوم نگارش مقالات کوتاه و بلند سیاسی را فراگرفتند تا بخشی از فعالیت سیاسی خود را در قالب انتشار اعلامیه‌ها و نشریاتی چون بعثت نمود بخشند.

در این دوره، نظام شاهنشاهی با قدرت هرچه تمامتر حکومت می‌کرد، ولی به برخی از افراد امتیاز بسیار محدودی داده شد که تنها می‌توانستند در محدوده دینی به معنی اخص سخن بگویند و خروج از این دایره محدود، موجب لغو امتیاز می‌شد. مهم آن بود که نشریات دینی فارغ از مسائل سیاسی، با قدرت تمام در عرصه اثرگذاری و با وسعت جغرافیائی جامعه دینی به فعالیت خود در امر "آموزش" و ترویج مبانی دینی و مذهبی ادامه میدادند.

به سخن دیگر، پس از نهضت پانزده خرداد، بنابر ضرورت‌هایی که مراجع و استادان عالی رتبه حوزه احساس می‌کردند، برای رفع برخی نقایص، مؤسساتی ایجاد شد. از جمله مهم‌ترین این مؤسسات، دارالتبلیغ اسلامی بود که آیت الله شریعتمداری، یکی از مراجع برجسته و مطرح پس از آیت الله بروجردی، تأسیس کرد. هدف اصلی این مؤسسه تربیت مبلغان بر طبق برنامه‌ای منظم و دقیق برای مقابله با تبلیغات ضد دینی و ضد تشیع بود. این مؤسسه در مهر ۱۳۴۴ تأسیس شد و برنامه درسی آن مشتمل بود بر اصول عقاید، بررسی مذاهب و ادیان دیگر، تفسیر و حفظ قرآن، فقه و اصول (در حد کلیات و به طور استدلالی)، علم حدیث و حفظ متون حدیثی، تاریخ اسلام، شناسایی کشورهای اسلامی، ادبیات فارسی و عربی، معلومات عمومی، درس اخلاق و بالاخره فن خطابه به صورت علمی و عملی. اگرچه در این برهه زمانی اهداف و عملکرد بنیان‌گذار این مؤسسه مورد نقد شماری از اصحاب حوزه قم قرار داشت (جعفریان، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۰۷ - ۳۱۹)، با این حال از وجوه مثبت آن در طی قریب بیست سال فعالیت مستمر این بود که توانست طلاب جوان را با مسائل و مباحث جدید در علوم انسانی و دینی آشنا کند و علاوه بر استادان و مدرّسان حوزه قم، چند تن از روحانیان میبرز را از تهران و لبنان برای تدریس به قم دعوت کند. به علاوه، دارالتبلیغ توانست از استادان غیرروحانی که از تهران به قم می‌آمدند نیز بهره‌گیری کند. دارالتبلیغ برای نخستین بار مرکزی برای جذب و تربیت طلاب

خارجی و آموزش و سامان دهی آنان تأسیس کرد. این مؤسسه در ادامه، پایگاه نشر نشریات متعدد و متنوع گردید. مؤسسه مهم دیگر وابسته به حوزه علمیه قم در این مقطع، مؤسسه در راه حق و اصول دین بود که در ۱۳۴۳ تأسیس شد و کسانی چون سیدهادی خسروشاهی، سیدمحسن خرازی، سیدجمال الدین دین پرور و رضا استادی اداره آن را به عهده داشتند. این مرکز صرفاً به امور فرهنگی می پرداخت و در زمینه اصول اعتقادات، فروع مذهب و مسائل مختلف اجتماعی و اقتصادی، نشریات رایگانی منتشر می ساخت (جعفریان، ۱۳۸۶ش، ص ۳۲۱-۳۲۲).

اما نشریاتی که در این دوره چاپ و منتشر شد به شرح ذیل می باشد:

اول (مجموعه حکمت

مجموعه حکمت نام ماهنامه‌ای بوده که چاپخانه برقی انتشار آن را بر عهده داشته است .

در سال ۱۳۳۱ نشر مجله «مجموعه حکمت» به نام سید فخرالدین برقی صادر شد و نخستین شماره مجله به مسئولیت سید یحیی برقی در تاریخ ۱۳۳۱/۲/۳ انتشار یافت، این مجله در ۲۰ صفحه هر دو هفته یکبار چاپ می شد. این نشریه از سال دوم به صورت ماهانه منتشر گردید، اما بعد مدتی تعطیل شد و دوباره از سال ۱۳۳۷ شروع به انتشار نمود و دوره دوم مجله به سردبیری سید هادی خسروشاهی انتشار یافت و تا شماره ۸، سال چهارم ادامه پیدا کرد و آخرین شماره آن در تاریخ ۱۳۴۰ انتشار یافت و بعد از آن تعطیل گردید.

هیئت تحریریه این نشریه آقایان ابوالقاسم دانش آشتیانی . سید ناصرالدین اکرم . مجتبی عراقی . ناصر مکارم شیرازی . ابوالفضل زاهدی قمی . مرتضی مطهری . جعفر سبحانی . حسین نوری . علی دوانی . محمد یزدی . حیدرعلی قلمداران . سید هادی خسروشاهی بودند . اغلب نویسندگان مجله، فضلالی معروف آن زمان حوزه علمیه قم بودند که بعدها از اساتید و علما و مراجع و آیات محسوب شدند. اسامی بعضی از آنها که در شماره های مختلف مجله آمده (علاوه بر افراد فوق) عبارت بود از: سید ناصرالدین آرام (مسئول کتابخانه آستانه مقدسه قم) محمد واعظ زاده فراغ و اینجانب (سید هادی خسروشاهی) مجله در سال نخست خود، دوهفتگی منتشر می شد. از سال دوم به صورت ماهانه انتشار یافت ولی پس از چند ماه، به علت مشکلات مالی، علیرغم درخواست کمک از مشترکین، تعطیل گردید. (حوزه نیوز. کد خبر: ۲۴۹۰۸۲- - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰).

دوم (حیات مسلمین

نشریه حیات مسلمین در دی ماه ۱۳۲۹ در ۱۶ صفحه با مدیریت شیخ مصطفی رهنما منتشر گردید و جمعا ۲۵ شماره منتشر شد. رهنما درباره مدیر مسئولی مجله حیات مسلمین می گوید: شیخ مصطفی رهنما طی اعلامیه‌ای، ۱۷ درخواست از دولت جدید کرده بود که بعضی از آنها عبارت بود: احیای شعائر اسلامی، مجازات فوری و شدید عاملان حریق سینمای آبادان، سپردن کارهای علمی و فنی به ایرانیان، اخراج امریکاییها و اسرائیلیها. محاکمه متجاوزان به

حقوق مردم، انحلال مجلسین و تجدید انتخابات آزاد، انحلال حزب رستاخیز، تقلیل تسلیحات، قطع رابطه با اسرائیل و تحکیم روابط با کشورهای عرب و سایر کشورهای اسلامی، خروج از پیمان سنتو الحاق به کشورهای غیرمتعهد...» «اواخر سال ۲۹ من مدیر مسئول مجله حیات مسلمین شدم و اولین شماره آن را در دیماه همان سال به صورت دوهفته نامه چاپ کردم. مجله در ۱۶ صفحه که عمده مطالب آن علیه شاه و دفاع از اسلام بود منتشر می شد. مجله حیات مسلمین را تا شماره ۲۵ چاپ کردم و به خاطر محدودیتهایی که داشتیم بعضی از شماره های آن بصورت مجله و بعضی هم به صورت روزنامه بود...» شیخ مصطفی رهنما، در اغلب شماره های مجله «حیات مسلمین» آن را ناشر افکار جمعیت مسلم آزاد، معرفی می کرد؛ اما اعلام تأسیس رسمی این جمعیت و انتشار مستقل مرامنامه آن، در اوائل سال ۱۳۳۰ انجام گرفت و خود رهنما در آغاز «مرامنامه» تشکیل آن را اول رجب ۱۳۳۰ ق می داند. شیخ مصطفی رهنما با تشکیل «جمعیت مسلم آزاد» در سال ۱۳۳۰ و نشر ارگان آن یعنی مجله «حیات مسلمین» سعی کرد تشکیلاتی عمل کند، اما از آنجایی که تعدادی انگشت شمار از افراد، جذب جمعیت مذکور شدند ناچار او به تنهایی این راه را ادامه داد. تردیدی نیست که دغدغه های اصلی وی در این حرکت «مذهب» و «دینداری» بود. «حیات مسلمین» در آغاز از نهضت ملی، آیت الله کاشانی، فدائیان اسلام، طرفداری می کرد و مقالات تندی علیه حکومت وقت منتشر می ساخت و در شماره ۱۴ مورخ ۱۷/۱۱/۳۰، در زیر عکس شهید نواب صفوی که در صفحه اول چاپ شده بود، نوشت: «تمثال جناب نواب صفوی که در ضمن فجایع اخیر دولت مجروح شده اند و مسلمانان انتظار خلاصی ایشان را دارند» و سپس در صفحات داخل همان شماره به شرح «فعالتهای حسنه فدائیان اسلام» پرداخت و در شماره ۱۵ به مصاحبه آیت الله کاشانی با یک روزنامه فرانسوی که خواستار همکاری مسلمانان با مسیحیان شده بود، تاخت و در شماره ۱۷ سخت به دکتر مصدق حمله کرد و همزمان هدف اصلی «جمعیت مسلم آزاد» را مبارزه با «امپریالیسم و کمونیسم» و «نصاری و یهود» نامید. (تارنمای مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی - ۱۳۹۲/۸/۲۰).

و هر از چندی بیانیه و اعلامیه ای می دادند و گاه به کنفرانس های اسلامی پیام تبریک می فرستادند. همچنین وی مقالات قابل تاملی نگاشته که از جمله این مقالات «یک مرد، یک زن» و همچنین «حجاب و شراب در ادیان» را می توان نام برد. مقاله دیگری هم درباره ملی شدن «کانال سوئز» نوشت که به دستگیری وی انجامید. در همان شماره اول و دوم، خطاب به شاه چنین نوشته بود: «معطوف توجه پادشاه ایران. اصل یکم از متمم قانون اساسی ایران می گوید: «مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است و پادشاه باید دارا و مروج این مذهب باشد» و اگر شرط دوم عملی نشود، آن وقت سلطنت شما سلطنت قانونی نخواهد بود!»

پس از نشر شماره ۵، مجله حیات مسلمین توقیف شد؛ ولی او نشریه خود را، و این بار فقط در چهار صفحه با استفاده از امتیاز روزنامه «طوفان شرق» منتشر ساخت و در صفحه دوم همین نشریه چهار صفحه ای، یک «ختم مجرب» هم نقل کرده بود: «یکی از علماء ختم زیر را تجربه کرده است: هزار بار بگوئید اللهم اللعن رضاشاه، حاجات مهم برآورده

می‌شود! «حیات مسلمین» با استفاده از امتیاز هفته‌نامه‌های: اسلام امروز، مدنیت و نشریه مسلم آزاده به نشر خود ادامه داد. گفتنی است که شیخ مصطفی رهنما برای اطلاع رسانی بیشتر مساله فلسطین و تهییج افکار عمومی در این خصوص، به انتشار مجله‌ای به نام «حیات مسلمین» دست زد، که به علت صغر سن در سال ۱۳۲۹ امتیاز مجله را ناچار به نام یکی از روحانیون به نام سید ابوالفضل برقی اخذ کرد. ایشان در این مجله از همان شماره نخست مقالات و مطالب متعددی در خصوص مساله فلسطین به چاپ رساند.

سوم) درسهایی از مکتب اسلام

در آذرماه سال ۱۳۳۷ شمسی ماهنامه «درس‌هایی از مکتب اسلام» که بعدها به «مکتب اسلام» شهرت پیدا کرد، به عنوان نخستین نشریه رسمی حوزه علمیه قم به کوشش گروهی از فضالای حوزه علمیه قم و به صاحب امتیازی ناصر مکارم شیرازی و توسط آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری (م ۱۳۶۵ش) تاسیس شد.

در آغاز دهه ۴۰، حوزه علمیه به عنوان تنها نهاد علمی شیعه و محل رجوع و رفع مشکلات دینی مردم آموزه‌های اسلام را تبلیغ می‌کرد و پیام حوزه‌ی روحانیت را به مردم می‌رساند و نیز مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور زبان‌گویی نداشتند. در چنین فضایی و با میل و اشتیاق فضلا برای پالایش فکری و دینی جامعه، عده‌ای از تجار و بازاریان روشنفکر آذربایجانی مقیم تهران نیز برای انتشار یک مجله مذهبی پیشقدم شدند و در این رابطه با یکی از مراجع وقت، صحبت کردند و حمایت مالی خود را برای انتشار چنین مجله‌ای اعلام نمودند. (دوانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۰۴) بدین ترتیب مجله درس‌هایی از مکتب اسلام با حضور فضالای آن روز حوزه؛ سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، ناصر مکارم شیرازی، حسین نوری همدانی، مجدالدین محلاتی، جعفر سبحانی، سیدمرتضی جزایری، محمد واعظزاده، علی دوانی، سیدموسی صدر، به عنوان هیأت تحریریه و با محوریت آیت‌الله شریعتمداری، شروع به فعالیت نمود.

مجله مکتب اسلام با انگیزه الهی پا به عرصه مطبوعات نهاد و در آن مقطع تاریخی، این مجله به عنوان یک حرکت ابتکاری و نوآوری در سطح حوزه و روحانیت به حساب می‌آمد. (اباذری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷).

مجله مکتب اسلام که از اولین شماره‌های نشر با حمایت آیت‌الله بروجردی فعالیت خود را آغاز نموده بود تا زمان حیات ایشان رونق زیادی داشت. بعد از رحلت ایشان نیز روز به روز در پیشرفت بود. تیراژ آن از سه هزار شماره در ماه به هشتاد هزار شماره و دو سه سال بعد از تأسیس به صد و بیست هزار شماره در ماه رسید. (دوانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۱۰) نتیجه این جایگاه خاص، در اثرگذار بودن آن خود را نشان داد.

«مکتب اسلام» تاکنون به صورت ماهنامه با حمایت آقایان ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی منتشر می‌شود. در سال‌های پیش از انقلاب، «مکتب اسلام» از معدود نشریات حوزوی بود که می‌کوشید اندیشه‌های نو مذهبی را که در قم پدید می‌آمد و البته متأثر از جریان‌های نوگرای اسلامی بود، به مشتاقان عرضه کند.

این نشریه در زمینه‌های دینی، علمی و اجتماعی فعالیت داشته است. مهم‌ترین ویژگی «مکتب اسلام»، آموزش و روشنگری و تربیت عملی جوانان اسلام‌گرایی بود که در روند شکل‌گیری انقلاب تاثیرگذار بودند. این مجله توانست بخش زیادی از نیازهای دینی پیش از انقلاب را برآورده کند و مورد استقبال گسترده مردم قرار گیرد.

رمز ماندگاری «مکتب اسلام» قطعا انگیزه‌های خالصانه و صادقانه و حرکت عالمانه و فرزانه مؤسسين و دست‌اندرکاران مجله در طی نیم‌قرن گذشته باعث ماندگاری مجله در طول سالیان بوده است. همان‌طور که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید «الذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا» نویسندگان و هیئت مؤسس این مجله نیز خالصانه و در راه پروردگار برای انتشار با کیفیت و مطلوب آن تلاش کردند و خداوند هم راه را برای آن‌ها گشود. (عزیزی؛ کد مطلب: ۱۶/۳۱۳۳۹۰/۱۴۰۰).

«مکتب اسلام» از بدو انتشار، حافظ روحانیت و مرجعیت و زبان گویای حوزه علمیه قم بوده است. مجله مکتب اسلام از جایگاه مردمی و محبوبیت مذهبی بسیار بالایی برخوردار و مورد حمایت معنوی حوزه علمیه قم و روحانیون بود و در میان تمام قشرها و صنف‌ها، اعم از دانشگاهی، حوزوی، بازاری، بزرگسالان، جوانان خواننده و مشتری داشت.

چهارم) سالنامه مکتب جعفری

نخستین شماره آن به کوشش احمد محصل یزدی در سال ۱۳۳۹ش منتشر شد. در آن، مقالات نویسندگان جوان حوزه علمیه قم و گروهی از نویسندگان مذهبی شهر تهران منتشر می‌شد. سید محمود علایی طالقانی (م ۱۳۵۸ش)، حاج میرزا خلیل کمره‌ای (م ۱۳۶۳ش)، حاج مهدی سراج انصاری، محمدتقی مصباح یزدی (م ۱۳۹۹ش)، سیدهادی خسروشاهی (م ۱۳۹۸ش)، حسین نوری همدانی (متولد ۱۳۰۴ش) دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن (متولد ۱۳۰۴ش)، لطف‌الله صافی گلپایگانی (م ۱۴۰۰ش)، محمد مجتهد شبستری (متولد ۱۳۱۵ش)، محمدرضا حکیمی (م ۱۴۰۰ش)، علامه محمدتقی جعفری (م ۱۳۷۷ش) و... از آن جمله بودند.

معارف جعفری نام سالنامه‌ای بود که در زمینه فلسفه و کلام به زبان فارسی فعالیت می‌کرد. مسئول مجله، آقای محصل یزدی بود که مسجد بزرگ و زیبا و منحصر به فردی به نام (مسجد آل‌رسول) در ایرانشهر ساخته بود، وی در اواخر حیات آیت‌الله بروجردی و با حمایت ایشان و با نظارت خود به عنوان نماینده آیت‌الله بروجردی، آن را ساخت.

پنجم (بعثت)

نشریه «بعثت» (نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم) اولین و مهم‌ترین نشریه انقلابی پس از قیام ۱۵ خرداد بود که با مشی سیاسی و مذهبی به مدت دو سال (۱۳۴۲-۱۳۴۴ش) در قم منتشر می‌شد. نشریه بعثت پیشروترین نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم در دهه ۱۳۴۰ بود که جمعا در ۱۴ شماره (سال اول ۹ شماره و سال دوم ۵ شماره) به چاپ رسید. نخستین شماره نشریه بعثت در روز شنبه ۲۳ آذر ۱۳۴۲ مطابق با ۲۷ رجب ۱۳۸۳ منتشر شد.

هیئت تحریریه و مؤسسین نشریه به مناسبت تقارن چاپ نشریه با بعثت پیامبر اعظم (ص) نام آن را بعثت گذاشتند. در صفحه اول در بالای صفحه آرم بعثت، آیه شریفه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»؛ «و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد» (عنکبوت، ۶۹) در زیرعنوان بعثت عبارت (نشریه داخلی دانشجویان حوزه علمیه قم) قرار می‌گرفت. (بعثت، س ۱، ش ۱، ۲۳ آذر ۱۳۴۲، ص ۱).

فکر اولیه ایجاد نشریه بعثت توسط چند نفر از شاگردان امام خمینی به رمضان ۱۳۸۲ / اسفند ۱۳۴۲ باز می‌گردد. اعضای هیئت تحریریه و مؤسس این نشریه عبارت بودند از: حجج اسلام آقایان: اکبر هاشمی رفسنجانی، علی حجتی کرمانی، محمدجواد باهنر، سیدهادی خسروشاهی، سید محمود دعایی. هدف اولیه این نشریه، دفاع از اسلام، روحانیت، ایجاد آگاهی سیاسی و اجتماعی در جامعه، روشن نمودن اهداف و آرمان‌های حوزه و مبارزه با استبداد و استعمار بود.

بعثت در بین گروه‌های اسلامی و ملی و فعالان سیاسی آن زمان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده بود و چون برای نخستین بار یک نشریه سیاسی مخفیانه و زیرزمینی توسط طلاب حوزه علمیه منتشر می‌شد مورد توجه همگان قرار گرفته بود. محتوای این نشریه قابل تأمل است. اخبار نهضت اسلامی به همراه مقالات تحلیلی که در این نشریه به چاپ می‌رسید، عموماً محاکمه و استیضاح هیئت حاکمه بود. در فضای اختناق آن روزها و در شرایطی که قیام پانزده خرداد در عملیات روانی مطبوعات دولتی، شکست خورده قلمداد می‌شد، انتشار «بعثت» برای مبارزین، بسیار امیدبخش بود. اخبار مبارزات از طریق این نشریه به مخاطبین خود می‌رسید و مقالات تحلیلی آن پدافندی علیه حملات و جنگ روانی رژیم به حساب می‌آمد.

اهمیت نشریه ی «بعثت» در زمان انتشار، این بود که این نشریه طلایه دار تقویت اسلام سیاسی در حوزه ی علمیه و جامعه محسوب می‌شود. به عبارتی تا پیش از این هرچند مذهبی‌ها در صحنه ی سیاسی کشور فعال بوده و در نهضت‌های مختلف مانند ملی شدن نفت نقش فعالی داشتند، اما انتشار این نشریه سرآغاز عمومی کردن گفتمان حکومت اسلامی در ایران به حساب می‌آمد. بر این اساس، می‌توان این نشریه را پایه گذار نشریات اسلام سیاسی در ایران قلمداد کرد. سر مقاله آن تحت عنوان «چرا بعثت؟» را آقای باهنر نوشته و هدف از انتشار آن چنین تشریح شده است: «این نشریه هدفی جز احیای بعثت و رسالت تاریخی پیغمبر اسلام (ص) ندارد و با توفیق پروردگار می

خواهد تا حدود امکانات محدودی که در اختیار دارد به بهتر معرفی کردن روح بعثت و تحرک و حیات اسلامی قدم بردارد. فعلا هر چند گاه یک مرتبه منتشر می‌شود و به مناسبت روز انتشار اولین شماره آن و هم هدفی را که تعقیب می‌کند به عنوان بعثت نامیده می‌شود».

ششم) انتقام

نشریه «انتقام» (نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم) دومین و مهم‌ترین نشریه انقلابی پس از قیام ۱۵ خرداد بود که با مشی سیاسی و مذهبی به مدت یک سال (۱۳۴۳-۱۳۴۴ش) در قم و تهران منتشر می‌شد.

هدف اولیه این نشریه «روشن کردن افکار تخدیرشده، بیدار نمودن عواطف مذهبی خفته، بیان احکام سیاسی و دفاع از اسلام و بسیج همگان با سلاح ایدئولوژیک ایمان در یک جهاد علیه استعمار و استبداد بود». در کادر بالای صفحه اول تمامی شماره‌های نشریه انتقام، آیه شریفه «إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ»؛ «ما از مجرمان جدا انتقام می‌گیریم» (سجده، ۲۲) و در کنار عنوان «انتقام» نیز آیه شریفه «وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ»؛ «و خداوند (برای کیفر بدکاران و کافران لجوج)، توانا و صاحب انتقام است» (آل عمران، ۴). نشریه انتقام دومین و پیشروترین نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم در دهه ۱۳۴۰ بود که در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۴۳ مطابق با ۱۵ شعبان ۱۳۸۴ هـ.ق، تا ۱۵ مهر ۱۳۴۴ مطابق با ۷ جمادی الآخر ۱۳۸۵ هـ.ق، جمعا در ۸ شماره (سال اول ۳ شماره و سال دوم ۵ شماره) منتشر شد. مؤسس نشریه به مناسبت تقارن چاپ نشریه با ولادت «حضرت ولیعصر - ارواحنا فداه - به پیروی از منویات مقدسه نابیان آن حضرت مراجع مجاهد شیعه، "انتقام" را در روز طلوع خورشید عدالت و مظهر انتقام حضرت احدیت، یعنی ولادت باسعادت منتقم حقیقی مهدی منتظر(عج) آغاز» کرد. این نشریه، ایدئولوژی مبارزه ی اسلامی را از قرآن استخراج میکرد. وظیفه ی اصلی تدوین، انتشار و توزیع نشریه ی «انتقام» برعهده ی آقای محمدتقی مصباح یزدی بود.

به گفته سیدهادی خسروشاهی، «آیت‌الله مصباح همه کار این نشریه را از تهیه و نوشتن مقالات و اخبار، تایپ، چاپ و حتی بسته‌بندی و توزیع را خود به تنهایی انجام می‌داد». در ارتباط با سایر اعضا و نویسندگان نشریه بنا به سوگندی که آقای مصباح در نام نبردن آنها خورده است، با مطالعه و بررسی منابع و اسناد به‌جامانده می‌توان پنج نفر دیگر از سایر اعضای شش‌نفره این نشریه را شناسایی نمود. این افراد عبارت بودند از حضرات آیات آقایان: محمد یزدی، ابوالقاسم وافی یزدی، محمدحسین بهجتی اردکانی، علی‌اکبر مسعودی خمینی، یحیی انصاری شیرازی. پس از تصمیم اعضای مذکور برای انتشار نشریه، آنها در جلسه‌ای با هم سوگند یاد کردند که غیر از جمع خودشان، فرد دیگری از ماهیت آنها آگاه نشود و همچنین از پذیرفتن اعضای جدید به منظور لو نرفتن توسط ساواک خودداری کنند. در همان جلسه پس از بحث و بررسی نام انتقام را برای نشریه برگزیدند. زنده‌یاد استاد سیدهادی خسروشاهی در باب محتوای نشریه انتقام نیز چنین می‌گوید: «به هر حال نشریه انتقام با محتوای غنی خود، نشان‌دهنده عمق اندیشه و نوع تفکر ناشر آن در زمینه‌های مبارزاتی است که فقط در بعد سیاسی خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل ابعاد گوناگون دیگر این

مبارزه نیز می‌گردد.» این نشریه در هشت شماره ی خود، در چهار فصل، مطالب زیر را دنبال می‌کند: تحلیل مسائل اجتماعی، بررسی مسائل سیاسی، تحریر و تبیین مسائل اعتقادی به ویژه نسبت به ولایت و حکومت اسلامی.

در شماره ی یک این نشریه، تحت عنوان «امید در قاموس روح»، بحثی در جهت رسیدن به حکومت اسلامی، مطرح می‌شود. در شماره ی سوم با عنوان «ایدئولوژی اسلامی»، تاریخ مبارزات به سه دوره ی اولیه، دوره ی شکفتگی و دوره ی رشد تقسیم می‌شود. عنوان اولین مقاله شماره ی پنجم «عید غدیر، روز پایه گذاری خلافت اسلامی» بود. در این شماره، نشریه بر ضرورت تشکل‌گرایی و انسجام بخشی در مبارزات اسلامی تأکید می‌کند.

هفتم) مکتب تشیع

نشریه مکتب تشیع یکی از اولین و مهم‌ترین نشریه‌های حوزه علمیه قم بود که با مدیریت چند نفر از روحانیون حوزه علمیه قم از جمله حجج اسلام: علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، محمدجواد باهنر و سیدمحمدباقر مهدوی کرمانی به مدت شش سال (۱۳۳۸-۱۳۴۴ش) جمعاً در یازده شماره در قم منتشر می‌شد. هدف اصلی مؤسسين در انتشار این نشریه دفاع از اسلام و مذهب تشیع توسط متفکران و نویسندگان اسلامی به منظور پاسخ به اندیشه‌های مارکسیستی و ناسیونالیستی در جامعه بود.

نخستین شماره نشریه (فصلنامه - سالنامه) مکتب تشیع اردیبهشت ۱۳۳۸ / شوال ۱۳۷۸ در ۴۱۶ صفحه به تیراژ پانزده‌هزار نسخه در چاپخانه دارالعلم قم منتشر شد. محل اداره نشریه مکتب تشیع در شهر قم خیابان ارم روبه‌روی دارالعلم صندوق پستی شماره ۳ بود. بهای اشتراک سه‌ماهه ۲۵ ریال و سالیانه ۱۰۰ ریال بود. این نشریه در سایر شهرهای کشور چون مشهد، تبریز، کرمان، تهران دارای نمایندگی توزیع و فروش بود. اداره کنندگان نشریه قبض‌های پیش‌فروش منتشر کردند و مجلات را به فروش رساندند.

«مکتب تشیع» برای دفاع از ارزش‌های دینی، قالبی را برگزید که با ویژگی خاص خود توانست جریان فکری منسجمی را پدید آورد. نویسندگان نشریه مکتب تشیع با نگارش مقالات به دفاع از دین و ارزش‌های دینی و مخالفت با جریان ضد دین در جامعه پرداختند. اهم مقالات آنها در اثبات یگانگی خدا و دفاع از اسلام، دفاع از خاتمیت پیامبر(ص)، ائمه اطهار(ع) و مذهب تشیع و مرجعیت بود.

نشریه مکتب تشیع مواضع حوزه علمیه را در فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به‌صراحت مطرح می‌کرد. فعالیت‌های قلمی و فکری نویسندگان این نشریه در نبود آزادی قلم، سانسور شدید مطبوعات و هجوم مطبوعات وابسته رژیم و جریان‌های مارکسیست و ملی‌گرا به ارزش‌های دینی و روحانیت و به دلیل مقالات علمی و ایدئولوژیک مورد استقبال طلاب حوزه‌های علمیه قم و نیروهای مذهبی جامعه قرار گرفت. در مجموع آن گونه که از مندرجات نشریه

برمی‌آید، مکتب تشیع مجله‌ای مذهبی و مردمی بود که با نگارش مقالات توسط برجسته‌ترین نویسندگان مذهبی به دفاع از دین و ارزش‌های دینی و مخالفت با جریان ضد دین در جامعه می‌پرداخت.

حاج مهدی سراج انصاری (م ۱۳۴۰ش)، علامه طباطبایی، مهندس مهدی بازرگان (م ۱۳۷۳ش)، احمد آرام (م ۱۳۷۷ش)، ناصر مکارم شیرازی، محمدتقی فلسفی (م ۱۳۷۷ش)، مرتضی مطهری (م ۱۳۵۸ش)، سید محمود علایی طالقانی (م ۱۳۵۸ش)، سید محمد حسینی بهشتی (م ۱۳۶۰ش)، علی اکبر هاشمی رفسنجانی (م ۱۳۹۵ش)، محمدتقی مصباح یزدی (متولد ۱۳۱۳ش)، دکتر محمود نجم‌آبادی (م ۱۳۷۹ش)، دکتر مهدی حایری یزدی (م ۱۳۷۸ش)، حسینعلی راشد (م ۱۳۵۹ش)، دکتر محمدجواد باهنر (م ۱۳۶۰ش) و ... از نویسندگان آن مجله بودند. دومین شماره آن، حاوی دیدگاه‌های علامه طباطبایی درباره تشیع و پاسخ به پرسش‌های هانری گربن (م ۱۳۵۷ش) اسلام‌شناس فرانسوی است.

در کنار نویسندگان اصلی نشریه برخی از نویسندگان، مترجمان، شاعران، پزشکان و مهندسانی چون مهدی بازرگان (یادداشتی از سفر حج)، محمدحسین شهریار (اشعاری از زمستان)، آیت‌الله محمدحسین بهجتی (ترانه خداپرستی؛ مادر بخنده نام تو حیدر گذاشتی) و ترجمه‌هایی از احمد آرام (دو دلیل بر وجود خدا نوشته رابرت موریس پیچ؛ نظری به آن طرف قوانین طبیعی نوشته ادواین فاست)، همچنین مطالبی در حوزه جغرافیای تاریخی اسلام توسط منوچهر ستوده (حدود متصرفات اسلامی در ادوار مختلف؛ استحكامات سرزمین ایران در دوران اسلامی)، و مطالبی در ارتباط با پزشکی توسط محمود نجم‌آبادی (سخنی چند درباره طب اسلامی) مطالبشان را به چاپ رساندند. در مجموع نویسندگان با تکیه بر اندیشه اسلامی به نگارش مقالات در حوزه‌های فقهی، فلسفی، اخلاقی، جغرافیایی، تاریخی، ادبیات، اجتماعی، سیاسی، پزشکی، در حوزه اسلام و مذهب تشیع پرداختند.

در پیش شماره این نشریه آمده است که مطبوعات ضد مذهبی در این دوره زیاد شده است و مطبوعات دینی بسیار کم یا در حد صفر است و این نشریه سعی میکند مسایل را از زاویه مذهب اسلام مورد توجه قرار دهد. مقالات منتشر شده در این مجله به طرح مباحث فلسفی، اعتقادی، اجتماعی و مسائل تاریخی اختصاص داشت و نویسندگان سعی در بازخوانی اسلام در جهت پاسخگویی به مسائل و دغدغه‌های دوره خود را داشتند.

هشتم) نجات نسل جوان

این نشریه با عنوان اصلی "انتشارات نجات نسل جوان" و عنوان فرعی "فوق العاده ماهانه مکتب اسلام" کمتر از ۶۰ صفحه تهیه و چاپ می‌شد. اولین شماره آن در دی ماه ۱۳۴۸ در چاپ خانه "حکمت" به چاپ رسیده و منتشر شد و با مبلغ "۱۰ ریال" عرضه می‌شد. آدرس نشریه (قم - صندوق پستی شماره ۶) در روی جلد آخر درج شده بود و مطلبی با عنوان "در راه یک جهاد مقدس" که به تبیین اهداف نشریه پرداخته بود در بالای آن صفحه آمده بود.

نشریه " نجات نسل جوان " میکوشید با قلمی جدید و مطالبی جوان پسند ، ارزش های دینی را رواج داده و جوانان را از خطرات برآمده از انحرافات آگاه نماید. مقالات این نشریه توسط بزرگانی چون حضرات آقایان ناصر مکارم شیرازی، علی حجتی کرمانی، علی دوانی، سید هادی خسروشاهی، زین العابدین قربانی، علی اکبر مهدی پور به عنوان نویسندگان ثابت قلمی می شد و مقالات وارده و نیز داستان هائی به قلم آقایان محمود حکیمی، رضا گل سرخی به چاپ می رسید .

در هر شماره سرمقاله ای با عنوان اصلی " مشکلات جوانان " به قلم آقای مکارم شیرازی با موضوعات متنوع و نیز سلسله مقالاتی با عناوینی چون " پدیده های غرب " ، " مخترعان بزرگ " و " پایه گزاران علوم در مشرق زمین " با شعار " شناسائی این مردان بزرگ بر همه کس لازم است " به چاپ میرسید .

در پشت جلد شماره ۱۴ این مجله (بهمن ۱۳۴۸) با جمله " خواهشمند است دقیقا توجه فرمائید " آمده است: " انتشارات نسل جوان، هدیه ارزنده دیگری به جوانان در سراسر کشور تقدیم می دارد " و سپس نوید انتشار " سالنامه جوانان " که " یک مجموعه نفیس و ارزنده برای عموم جوانان " است، را میدهد و در شماره بعد با اعلام این مطلب که سالنامه در (۴+ صفحه) تهیه شده، " پیروزی " در انتشار آن را " مدیون خوانندگان و نمایندگان گرامی " میدانند .

نهم (نسل نو

نخستین شماره مجله " نسل نو " با نام کامل " پیام شادی برای نسل نو " در بهمن ماه ۱۳۵۱ منتشر گردید. مندرجات این نشریه زیر نظریه تحریریه تهیه می شد و صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن " سید حسن شریعتمداری " بود. سید هادی خسروشاهی در شماره اول و احمد فرزانه در شماره های بعدی سردبیر مجله بودند. این نشریه که هر سه ماه یکبار منتشر می شد، در ۵۰ صفحه تهیه می گردید و به مبلغ (۱۰ ریال) به فروش میرسید و مجله مصور به شمار میرفت که عکس روی جلد آن معمولا از مناظر مرتبط با جهان اسلام بود و نشریه ای اسلامی، علمی و اجتماعی برای نسل جوان بود .

اولین شماره در آستانه سال ۱۳۵۲ش (همزمان با محرم ۱۳۹۳ق) منتشر شد و جزء " دایره انتشارات دارالتبلیغ اسلامی " قرار داشت. در این نشریه نویسندگانی چون سید غلامرضا سعیدی، سید هادی خسروشاهی، محمد تقی جعفری، علی اکبر مهدی پور، یعقوب جعفری، سید کاظم روحانی، دکتر احمد بهشتی، علی حجتی کرمانی، سید محمد ثقفی و محمود حکیمی قلم می زدند .

در شماره دوم این مجله، ضمن " جالب و ارزنده " دانستن " پیشنهادها و انتقادات و یادآوری های دوستان " تاکید شده که " جوانان ، شیفته و تشنه نشریه سالم و مفیدی مانند (نسل نو) هستند " و آرزو کرده " این نشریه، بتدریج مراحل تکاملی خود را " بیاید .

روی هر شماره، تصویری رنگی همراه با توضیحی مختصر ارائه شده است. مثلاً تصویر یک کودک آفریقائی با عنوان "چرا می گرید؟"، تصویر یک کودک ژنده پوش با عنوان "فقر و گرسنگی؛ مسئله مهم جهان امروز"، تصویر سلاح و دست هائی بهم گره خورده با عنوان "وحدت؛ ضامن پیروزی"، تصویری از مسجد الاقصی و ستاره ترک خورده داوود و یادداشتی با عنوان "بیت المقدس و مسجد الاقصی"، تصویر یک کودک فلسطینی با عنوان "از خدا باید خواست" و نیز تصاویری از اماکن مذهبی و جلوه هائی از طبیعت.

محتوای هر نشریه، بیانگر سمت و سوی آن است. نگاهی به برخی عناوین مجله، علاوه بر این معنا می تواند به شناخت فضای مذهبی حاکم بر نشریات دینی آن دوره و از نگاه جامعه شناختی به میزان تاثیرگذاری و اثربخشی آن کمک نماید. همچنین بررسی محتوای نشریات، به تبیین راه ناشران، گستره تاثیر آن در جامعه، دریافت روش های حرکت مطابق میل مخاطب خاص و تلاش در استفاده از موقعیت و موفقیت رسانه منجر می گردد.

دهم) نشریه کتابخانه مسجد اعظم قم

نخستین شماره آن در سال ۱۳۴۴ش زیر نظر ابوالقاسم دانش آشتیانی منتشر شد. او از سوی آیت الله بروجردی به مدیریت کتابخانه مسجد اعظم منصوب شده بود و ایشان در عمل، مدیر مسئول و سردبیری نشریه را بر عهده داشتند. این مجله با درج مقالات دینی و اجتماعی می کوشید تا با زبانی نوین از آموزه های اسلامی دفاع کند.

اولین شماره این نشریه در هجده اردیبهشت ماه ۱۳۴۰، به مناسبت چهلمین روز درگذشت آیت الله بروجردی رحمه الله علیه در یک صفحه و شماره های دوم تا پنجم نشریه به صورت سالانه از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۳ و به مناسبت یادبود مرحوم آیت الله بروجردی انتشار یافته است. بخشی از مطالب این شماره ها به گزارش فعالیت های کتابخانه در طول سال اختصاص یافته است.

در پایان شماره پنجم بشارت داده شده است که در نظر است «بخواست و یاری خداوند متعال و استظهار و استمداد از تأییدات و توفیقات حضرتش، این منظور را عملی ساخته و چندی یکبار این نشریه را با مطالبی متنوع و سبک جالبی منتشر سازیم».

نخستین شماره از دوره ی جدید این نشریه - که شماره ی ششم محسوب می شود - در اردیبهشت هزار و سیصد و چهل و چهار، برابر با ذوالحجه ی هزار و سیصد و هشتاد و چهار، در اندازه ی رقعی منتشر شد و با انتشار هجدهمین شماره اش در اسفند هزار و سیصد و چهل و پنج، برابر با ذوالقعدة ی هزار و سیصد و هشتاد و شش، به خاطر کمبود امکانات مالی و غیره نشر آن به پایان آمد.

طبق وعده داده شده شماره‌های ششم تا یازدهم در سال ۱۳۴۴ به صورت دوماهنامه و در حدود صد صفحه و با قیمت هر شماره بیست ریال انتشار یافت.

شماره‌های دوازده تا بیست و سوم این نشریه در سال ۱۳۴۵ به صورت ماهنامه، در حدود شصت صفحه و با قیمت هر شماره ده ریال در اندازه قطع رقعی و در چاپخانه حکمت قم منتشر شد.

در سرمقاله شماره نخست نشریه در دوره جدید، آیت الله دانش آشتیانی به عنوان مدیر مسئول و سردبیر وقت، هدف از انتشار این مجله را این‌چنین بیان کرد:

«... ما برای آشنا ساختن طبقات مختلف، خصوصاً دانشجویان ارزشمند و نسل برومند جوان این کشور، دست به کار این نشریه شده و آن را که تقریباً صورت کتاب موسمی و تدریجی به خود گرفته، و فعلاً هر دو ماه یا سه ماه یک بار منتشر می‌شود، تقدیم خوانندگان محترم می‌نماییم...»

با وجود محدودیت انتشار نشریه در حوزه علمیه قم، نشریه «کتابخانه مسجد اعظم قم»، یکی از بهترین نشریات حوزوی در آن سالها به شمار می‌آید.

از آنجایی که کلیه امور اجرایی، جمع‌آوری مقالات و چاپ نشریه بر عهده آیت‌الله دانش آشتیانی بود و ایشان در کنار کمبود امکانات مالی به خاطر سایر اشتغالات حوزوی در جمع‌آوری مقالات با مشکلاتی مواجه بودند، انتشار نشریه پس از شش سال فعالیت در اسفند ماه سال ۱۳۴۵ متوقف گردید.

در این زمینه آیت الله دانش آشتیانی در سرمقاله شماره بیست و سوم نشریه این چنین می‌نویسد:

«با انتشار این شماره سال دوم نشریه پایان یافته و دو سال خدمت مطبوعاتی و تبلیغ قلمی ما به آخر می‌رسد، و خداوند را سپاسگزاریم که ما را در این راه یاری فرمود تا این بار سنگین را به منزل رساند و تعهد خود را در برابر برادران ایمانی و مشترکین محترم انجام دادیم.»

... ما در عرض این دو سال نویسندگی و خدمت مطبوعاتی خود به افرادی برخوردیم و از دانشجویان گرامی و جوانان عزیز نامه‌هایی دریافت داشتیم که مایه امیدواری بوده و از فطرت‌های پاک و زمینه‌های مستعد و نفوس قابل تربیتی بشارت می‌داد... .

و اینک در آخرین شماره این سال این رسالت خود را انجام داده و به جامعه روحانیت و دوستداران فضیلت و حوزه‌های علم و دین و جوانان غیور اسلامی و متمکین و ثروتمندان دیندار و کلیه برادران مسلمان خود این پیام را می‌دهم که: خدا را در نظر گرفته و حقیقت را فراموش ننموده و با آنچه در اختیار دارید از علم، مال، مقام، نیرو، زبان، قلم و آبرو و در راه خدا جهاد نموده و از انجام این وظیفه باز نایستید...»

با در نظر گرفتن محتوای مقاله‌ها که توسط فضایل حوزه و فرهیختگان دانشگاهی نگاشته شده است، نشریه کتابخانه مسجد اعظم را می‌توان در ردیف نشریه‌های مهم دینی در آن روزها قرار داد.

در این نشریه برخی از نسخه‌های خطی و نفیس کتابخانه معرفی شده‌اند و گزارشی از فعالیت‌های کتابخانه بیان شده است. مقالاتی در مورد نقش کتابخانه و کتاب در جامعه نگاشته شده که می‌توان به مقاله «نقش کتابخانه عمومی در اجتماع» به قلم ابوالقاسم دانش آشتیانی و مقاله «کتاب، از نظر اروپا و اسلام» به قلم سید جعفر شیخ الاسلام اشاره کرد.

در این مجله اسامی اهدا کنندگان کتاب به کتابخانه ثبت می‌شود. در میان اهدا کنندگان کتاب اسامی آقایان: «میرزا خلیل کمره‌ای، سید هادی خسروشاهی، جناب آقای حاج آقا روح الله موسوی آیت الله خمینی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، آقای سید عبدکریم هاشمی نژاد، آقای حاج سید احمد آیت الله خوانساری، آقای لطف الله صافی گلپایگانی، شیخ محمدتقی آیت الله املی، حاج آقای محمد اصفهانی، آقای حاج سید محمدرضا گلپایگانی، حاج سید احمد محسنی اراکی، حاج محمد رضانی مدیر کلاله خاور» به چشم می‌خورد.

برای اطلاع خوانندگان از وضع تألیف و نشر در حوزه علمیه قم، فهرستی از کتاب‌های سال در این نشریه چاپ می‌شود.

در شماره چهارده درباره وضعیت چاپ و نشر در حوزه علمیه این چنین آمده است: «مجموعاً شاید بیش از ۱۲۰ مجلد کتاب و نشریه از حوزه علمیه چاپ و منتشر شد، اما آنچه ما در فهرست می‌آوریم در حدود ۱۰۰ جلد است. نیمه از این صد جلد، نوشته‌هایی است برای بار اول چاپ شده و نیم دیگر تقریباً همه تجدید (چاپ) است. تعداد کتابهایی که برای بار اول چاپ می‌گردد شاید به ۵۰ مجلد بالغ شود و باید چند سالنامه و چندین نشریه باین تعداد افزوده گردد.»

فهرست کامل ۳۰ عنوان از این کتابها به ترتیب حروف الفبا در شماره ۱۵ نشریه معرفی می‌شود. جالب این است کتاب الرسائل فی الاضرر و الاستصحاب امام خمینی به این صورت معرفی شده است: «کتاب الرسائل فی الاضرر و الاستصحاب .. حضرت آیت الله خمینی. جلد اول. وزیری ۳۶۰ص. کتاب مشتمل بر پنج رساله در مباحث الاضرر، استصحاب، تعادل و تراجیح، اجتهاد و تقلید، تقیه می‌باشد. در این جلد دو رساله نخستین چاپ شده است.»

در شماره ۱۶ نشریه کتاب «الطهاره: حضرت آیت الله العظمی خمینی، جلد سوم وزیری - ۲۷۲ص، این مجلد در سال ۱۳۴۳ چاپ شد و در سال گذشته انتشار یافت.» این کار با وجود اختناق آن سالها، کار ارزشمندی بوده است.

معرفی آثار علمی آیت الله بروجردی در هشت شماره و گزارش‌هایی از امور مسجد اعظم در این نشریه ارائه شده است. از بخش‌های دیگر این نشریه، چاپ نکات جالبی از گزیده روزنامه‌ها و مجله‌ها، درباره اسلام و مسلمانان است.

آیت الله دانش آشتیانی با انتشار این نشریه توانسته بود ارتباط خوبی بین کتابخانه و سایر مراکز علمی، مؤلفان و محققان ایجاد کند.

هر یک از شماره‌های نشریه در این سال با در نظر گرفتن مناسبت‌ها نامگذاری شده است. هدف از این کار کاهش حساسیت‌های رژیم نسبت به این نشریه بود.

نام‌گذاری‌ها از شماره ششم تا شماره یازدهم به شرح زیر است:

شماره ششم (شماره اول دوره جدید): «غدیر»

شماره هفتم (شماره دوم دوره جدید): «مولود»

شماره هشتم (شماره سوم دوره جدید): «نور»

شماره نهم (شماره چهارم دوره جدید): «مبعث»

شماره یازدهم (شماره پنجم دوره جدید): «رحمت»

شماره دوازدهم (شماره ششم دوره جدید): با عنوان «مخصوص سالگرد.»

نام نویسندگان - تقریباً دائمی - این مجله بدین شرح است: ابوالقاسم دانش آشتیانی ، لطف الله صافی گلپایگانی ، مصطفی زمانی ، حسین شب زنده دار ، مهدی طارمی ، محمد یزدی ، سید جعفر شیخ الاسلام ، محمد صادق حشمت ، عبدالمجید رشیدپور ، سیدهاشم حمیدی ، محمد خندق آبادی ، محمدباقر انصاری ، مرتضی حائری ، حسین نوری ، غلام حسین رحیمی ، محمدحسین بهجتی [شفق] ، جلال الدین گلپایگانی ، علی کاظمی وحسن نوری

پایان بخش اول